

کوان روی زمین که خاک چهره کنای و صورت غیر ناری چنان آری
بیرت بر غرور و عقل نیک آموزه و طبع صورت انگیز ناری خاطرانی خیزنده
قره صیقل اول صورت نیک تصور کشفند صورت تصور و وجدان از نظر
و اول تشنگان و کون حسن زیستند خیران و کون قدره و جمع و فغان
بجفا و دشمنان دوران نیک تشبیهند ما جوهر کردان اول در الهی اول
حکیم که بجز خلق کما هرج چه بر نیک ما و مای انسانی کبی و بچسب راکم
بر نیک بهایم مثالی کبی و بچسب فاعد بر نیک مجال رسالت کبی و بچسب
قائم بر نیک استیجار و بنات کبی آدم که خدا موجودات و زبده مخلوقات
جود کما هم صاحب قائم فاعد بر نیک که بر عینی بر عینی واقع و بر عینی
بر عینی واقع و کما الهی است که بی آدم انعامات انعمه الهی است که انسان
اگر اکتفا به خود و لغد کر تبا بی آدم و مخلقا الهی البر و البر و فضلنا
علی کثیر جن خلقنا تشبیها الهی مخلوقات نیک بعضی که زمره ملائکه که در
سویله بر نیک که محض روح مقدس و عقل مجرد در وجود ناری در وقت
تصویر و طیفند مبراه و صفات ناری مقدس و جسد و بجله و مخوف بعد
بسی سحانی لازم حالت ناری که بخاوه بهیم تو فهم و بفعل ما بانه
و ذکر غلطی که برای حقایق ناره و انتری که استخوان النصار لایفرو
عصمتی جیبی در صیقل بود و طغان و معیت اول که لایعنی الله ما
اسم و طاعت ناری طبعی در اصل امینه استیکار و غنک اول در حسن
عنده لایستیکار و عن عباد و نه بهر بری بر حضرت ابوزر و تو طبعی در

نیک طاعتی در دهر بری بر مصیبت موکل اولستدر که اول نیک عبادتی و در هر
بر نیک خدمتی داشته لازم در دهر بر نیک عبادتی وجود در ملاء و در نیک
قدرتی بود نیک و نیک نیک طاعتی بود قدر خلق ناری خلقی و در وجود ناری جیبی در
و بعضی که طوائف بهایم حیواناته شود بر نیک که در تسبیح الهی و مع و عا
تخولات حسیه و مقصود ناری لذات جسمیه و در همتی خلقی و فرجه ناری
اینست مقصود فکر ناری اصل و طوکلون تشبیه تصور زاندر ناری و مای
لذات روحانیه و بواعث همت معارف بنایینه تو طبعی در خلق ناری
اول قابلیت و بر نیک که بجا نیک قدرت العبدان عبرت الاله و جملت ناری
اول استعداده تو طبعی در که اسرار حکت و کما بر معرفتی اول الهی بری
رو اهل اخلاق بر نیک که بر نیک تمام نایند و بر نیک طرف نایند
در کی حرد با الهای جالده در کی استهوت نایت کماله و در کی غشیه
مفرط و در کی جسد معروف که نیک صوفی که جسد طبعی ناری استهوت و در
تمام نفا صیقل غایب مخلوقات مذکور و اما موجودات آراسته شود
بر نیک که وجودی هم خیره هم سسته قابل و هم نفع و هم ضرر قابل استهوت
استعداد و ارضاده و در ضلاله و در بلوغی و ارضاده و در جیبی استعد
کمال و نفا و خلقی قابل طاعت و معصا اگر چه طباغ و سموات حیوانیه
بسی است و بر نیک لیکن اطلاع اسرار معارف الهیه و در نای تمام استعداده و
استطاعت تو طبعی که در لذات جسمیه نایند و در نای تمام نایند و در نای
در نای تمام نایند و در نای تمام نایند و در نای تمام نایند و در نای تمام نایند

King Saud Bin Abdul Aziz

Copyrighting Saudi University